

## سلام کودکانه

## نقاشی روی پنجره

هوا سرد شده بود، برف می بارید و پنجره بخار کرده بود. من و داداش پویا و بابا شروع به نقاشی کشیدن روی پنجره کردیم. من یک درخت در فصل بهار را کشیدم، یک درخت پر از شکوفه. داداش پویا هم یک درخت در فصل تابستان را کشید، یک درخت پر از میوه. بابا هم یک درخت در فصل پاییز را کشید. یک درخت که برگ های آن روی زمین ریخته بود. از پنجره توی کوچه دیده می شد. توی کوچه هم یک درخت بود که در فصل زمستان با برف پوشانده شده بود. حالا ما چهار فصل را کنار هم می دیدیم. خیلی جالب بود.



## شهر قصه

## دردسر بزرگ

پشمک، بچه گربه‌ای بود که هر چیز را می‌دید، بی‌اجازه برمی‌داشت و می‌گفت: «خودم پیدا کردم پس مال منه.» یک روز، چشمش به یک سبد پر از تخم مرغ افتاد. سبد را برداشت و به خانه آورد. چون سبد سنگین بود، خسته شد و خوابید. یک دفعه با صدای جیک جیک بیدار شد و دید خانه‌اش پر از جوجه شده است. چشمش به سبد افتاد، دید همه تخم مرغ‌ها شکسته شدند. جوجه‌ها از سر و کولش بالا می‌رفتند و نوکش می‌زدند. پشمک دید که نمی‌تواند این همه جوجه را در خانه تحمل کند. برای همین رفت تا از اهالی مزرعه کمک بگیرد. رفت و رفت تا به گاوخال خالی رسید. پشمک گفت: «خال خالی، من به سبد تخم مرغ پیدا کردم. حالا خانه‌ام پر از جوجه

## هنرمند کوچولو

## آدم برفی جو راہی

## چی لازم داریم؟

جوراب سفید قدیمی  
خرده پارچه یا پنبه  
نخ محکم، دکمه، سوزن  
مرواریدی و چسب مایع

## چطوری درست کنیم؟

- ۱- قسمت ساق جوراب را جدا کنید. قسمت کف جوراب را با خرده پارچه یا پنبه پر کنید.
- ۲- قسمت بالای جوراب را با نخ محکمی گره بزنید و ببندید.
- ۳- یک سوم بالایی جوراب پر شده را برای سر آدم برفی در نظر بگیرید و با بستن نخ، آن را مشخص کنید.
- ۴- با دکمه، چند تکه پارچه، سوزن‌های مرواریدی و با کمک چسب مایع، آدم برفی خود را تزئین کنید. حالا شما یک آدم برفی جورابی زیبا دارید.



## دنیای حیوانات

## عروس دریایی

ما عروس دریایی‌ها انواع مختلفی داریم. ما قبل از این که دایناسورها باشند، وجود داشتیم. ۹۵ درصد بدن ما از آب تشکیل شده است. ما چشم و مغز و گوش و قلب نداریم. یک نوع عروس دریایی وجود دارد که هیچ وقت نمی‌میرد. این عروس دریایی نامیرا که به آن تیولا گفته می‌شود، می‌تواند بعد از بزرگ شدن، دوباره به نوزاد تبدیل شود و زندگی جدیدی را شروع کند. این نوع عروس دریایی هر وقت که دلش بخواهد مثلا موقع خطر یا گر سنگی می‌تواند زندگی‌اش را از اول شروع کند. برخی از ما که در عمق اقیانوس‌ها زندگی می‌کنند، می‌توانند مثل کرم شب‌تاب از خودشان نور تولید کنند. نیش بعضی از ما خطرناک و حتی کشنده است. ما معمول گیاهان کوچک، میگوها و... را می‌خوریم. با استفاده از بازوهایمان شکارمان را قبل از خوردن بیهوش می‌کنیم. ما خیلی زیبا هستیم با بدن ژله‌ای که داریم خیلی قشنگ حرکت می‌کنیم به خاطر همین به ما می‌گویند؛ «عروس دریا».



## شعر

**برف و برگ**

قطره‌ی برف از سقوط  
واقعا ترسیده بود  
برگ زرد مهربان  
فکر خوبی کرد زود

برگ مثل یک تشک  
پهن شد روی زمین  
گفت از چیزی نترس  
قطره برف نازنین

برف وقتی دید برگ  
شد برایش رختخواب  
یک سقوط خوب داشت  
راحت و بی اضطراب

## شاعر: عفت زینلی



شده. نمی‌دونم چی کارکنم.» خال خالی گفت: «باشه کمکت می‌کنم صاحب جوجه‌ها رو پیدا کنی.» پشمک و خال خالی رفتند و رفتند تا به خروس رسیدند. پشمک گفت: «میو میو، تاج قرمزی کمکم کن. من به سبد تخم‌مرغ پیدا کردم. حالا خانه‌ام پر از جوجه شده. نمی‌دونم چی کارکنم.» تاج قرمزی گفت: «کمکت می‌کنم. فقط قول بده دیگه هر چی پیدا کردی برای خودت برنداری و برگردونی به صاحبش.» پشمک گفت: «قول قول» خروس گفت: «اون تخم‌مرغ‌های توی سبد مال خانم پر ملا بود. الان داره دنبال جوجه‌هاش می‌گرده.

بیا بریم پیشش تا خوشحالش کنیم.»  
پشیمک و خال خالی و ململ و تاج قرمزی  
رفتند پیش پر طلا که داشت گریه  
می کرد. پشیمک جلورفت و گفت: «خانم  
پرطلا جوجه هات پیش منه. بیا کمک کن و  
جوجه ها تو ببر.» خانم پرطلا خوشحال شد،  
با پشیمک رفت و جوجه هایش را گرفت و  
رفت.



## سرگرمی

**پیدا کردن اختلاف**

دوستان گلم با دقت به این دو تصویر نگاه کنید و اختلاف های آن ها را پیدا کنید.  
(راهنمایی: ۱۰ اختلاف بین این دو تصویر وجود دارد)

